درمکتب امام

غدیر منحصر به زمان نیست

زنده نگه داشتن این عید[غدیر] نه برای این است که چراغانی بشود و قصیده‌خوانی بشود و مداحی بشود، اینها خوب است، اما مسئله این نیست. مسئله این است که به ما یاد بدهند که چطور باید تبعیت کنیم، به ما یاد بدهند که غدیر منحصر به آن زمان نیست، غدیر در همه اعصار باید باشد و روشی که حضرت امیر در این حکومت پیش گرفته است باید روش ملت‌ها و دست‌اندرکاران باشد. قضیه غدیر، قضیه جعل حکومت است.

صحیفه امام؛ ج۲۰؛ ص۱۱۲ | جماران؛ ۲ شهریور ۱۳۶۵

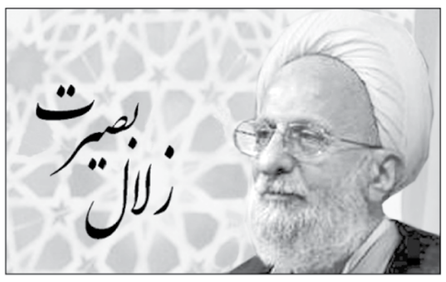

حب دنیا؛ ریشه همه نابسامانی‌ها و انحرافات

از صدر اسلام تاکنون آنقدر تحولات در عالم اسلام پیش آمده و آنقدر درس‌های عبرت در تاریخ وجود دارد که هر قدر انسان دقت کند، بیشتر به اسرار و رموز این حوادث پی می‌برد.

خدای متعال بزرگترین و شریفترین مخلوق خودش را برای هدایت این امت مبعوث فرمود و او انسان‌ها را از پلیدی‌ها، پلشتی‌ها، زشتی‌ها، پستی‌ها و ذلت‌ها نجات داد و به اوج عزت رسانید، ولی مردم جز اندکی آنچنانکه باید قدر این نعمت را ندانستند. برخی آشکارا به جنگ با اسلام پرداختند و برخی منافقانه سعی کردند که این نور را خاموش کنند. ولی خدای متعال امت را به این ناسپاسی‌ها اخذ نکرد و برای اتمام و اکمال این نعمت، دوازده نور پاک معصوم را یکی پس از دیگری جانشین پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار داد.

مطالعه، دقت و تفکر در تاریخ صدر اسلام، بسیاری از مشکلات و معماهای این زمان را برایمان حل می‌کند. کسانی سال‌ها پای منبر پیغمبر بودند اما سرانجام شمشیر به روی علی کشیدند. کسانی سال‌ها پای منبر و در سپاه علی بودند و در جنگ صفین با معاویه می‌جنگیدند، اما در کربلا فرزندش سیدالشهدا را به شهادت رساندند!

انسان موجودی بسیار عجیب و قابل تحول است، بنابر این انسان نمی‌تواند به دوام هیچ یک از احوال و موقعیت‌های خودش یا دیگران اطمینان پیدا کند. مطالعه تاریخ به انسان می‌فهماند که خیلی خطرها در پیش است و این انسان را نگران آینده و عاقبت خود می‌کند؛ بنابراین باید به خدا پناه برد، به اولیای خدا توسل پیدا کرد و عقل خود را به کار گرفت تا کمتر در دام شیاطین بیفتیم.

محبت دنیا، عامل تمام انحرافات

حب دنیا ریشه این انحرافات و تحولات است. خیلی بعید است کسی فکر کند که این تحولات فقط مربوط به مردم آن زمان بوده و هم‌اکنون هر کس قدم در راه راست گذاشت، تا آخر مستقیم می‌ماند! عاملی که موجب سقوط و انحراف گذشتگان شد ،در یک کلمه حب دنیاست که در من و شما نیز کمابیش وجود دارد.

عشق به ریاست، انسان را به جایی می‌رساند که علی‌رغم شناخت مقام اهل‌بیت، هارون الرشید حاضر می‌شود سال‌های طولانی امام هفتم را در سخت‌ترین زندان‌ها حبس کند و سرانجام نیز به شهادت رساند.

جا دارد ما نیز به قلبمان مراجعه کنیم و ببینیم آیا ما حب دنیا نداریم؟ اگر احساس کردیم که حاضریم به‌خاطر حب مال و مقام، حق دیگری را تضییع کنیم، بدانیم به‌خاطر یک قیراط، آن انسان را سر پل صراط نگه می‌دارند و اگر یک ریال هم از دیگری غصب کنیم باید حسابش را پس بدهیم.

استفاده از بیت‌المال برای پیروزی در انتخابات یعنی دزدیدن میلیاردها تومان از میلیون‌ها انسانی که گرفتاری‌های بیشماری دارند، برای رسیدن به مقامی احتمالی.

حب دنیا و مقام ،منحصر در مقام‌های دولتی نیست، این زهر کشنده بسیار خطرناکی است که در درون همه وجود دارد و مثلا اگر کسی دوست داشته باشد برای شاگرد اول شدن خود، حق دیگری را تضییع کند، شاخه‌ای از همان حب دنیاست که وقتی رشد کند می‌رسد به آنجایی که انسان حاضر می‌شود برای رسیدن به امیالش، امام حسین(ع) را نیز شهید کند، بنابراین باید حواسمان جمع باشد و از ابتدا آن را از پا درآوریم یا تضعیف کنیم.

اخلاص، عامل پیروزی و موفقیت

مهم‌ترین عاملی که امام خمینی(ره) را بر همه قدرت‌های جهانی پیروز کرد، اخلاص ایشان بود که شاخ و برگش به دل‌های شاگردان و دست‌پروردگانش سایه انداخت و در آنها نفوذ کرد که توانستند با همه قدرت‌های عظیم جهانی مبارزه کنند و رزمندگان هشت‌سال دفاع مقدس نمونه‌های عینی آن بودند.

عامل پیروزی، اخلاص در پیشگاه خدا و انجام وظیفه است و عامل شکست‌ها، انحراف‌ها و ناسپاسی‌ها، علاقه به زندگی و زرق و برق دنیا، پست و مقام و سردوشی‌هاست.

عمل خالصانه دارای مراتب مختلف و متوقف بر شناخت هدف و چگونگی عمل است. هواهای نفسانی بسیار پیچیده است و گاهی به‌صورت ناخودآگاه در فکر اثر می‌گذارد و به همین دلیل باید از مراحل ساده شروع کرد، چرا که وقتی کسی بدون خودسازی بخواهد مسئولیتی را بپذیرد دیگر نمی‌تواند به راحتی به ندانستن اعتراف کند، یا کاری که به نفع شخصی اوست ولی مورد رضایت خدا نیست یا برای خانواده، اهل شهر، کشور، یا نژادش ضرر دارد را ترک کند.

انسان در هنگام رأی دادن نیز درمعرض این امتحان قرار می‌گیرد که ببیند با چه ملاکی کسی را انتخاب می‌کند و به او رأی می‌دهد. اگر ملاک در ترجیح، این شد که چه کسی برای اسلام و انقلاب بهتر است، آن وقت می‌توانیم کارمان را درست و با اخلاص انجام بدهیم.

بیانات آیت‌الله مصباح یزدی (دام ظله) در دیدار با گروهی از طلاب و دانشجویان استان خوزستان ؛ قم ۹۲/۱/۸؛

زلال بصیرت روزهای پنج شنبه منتشر می‌شود.

اجازه حضور به شهردار همسو در جلسات هیئت دولت

مگر مشکلات تهران در سال‌های گذشته اهمیت نداشت؟!

سرویس سیاسی-

دولت در حالی از تعامل مثبت با شهردار جدید تهران در راستای حل مشکلات مردم سخن می‌گوید و اجازه حضور به نجفی در جلسات هیئت دولت از سوی دولتی‌ها در این جهت ارزیابی می‌شود که در طول سالیان گذشته اجازه حضور به شهردار غیرهمسو با خود در جلسات را نداده بودند، این مهم نشان می‌دهد برای دولت آنچه که اهمیت ندارد حل مشکلات مردم است که اگر این گونه بود به قالیباف نیز اجازه می‌دادند در هیئت دولت حضور یافته و مشکلات در سایه تعامل حل شود.

با انتخاب شهردار جدید تهران اعلام شد از این پس نجفی در جلسات هیئت دولت شرکت خواهد کرد و در این رابطه سخنگوی دولت اظهار داشت در سایه تعامل دولت و شهرداری کارها به خوبی پیش خواهد رفت!

محمدباقر نوبخت سخنگوی دولت در نشست خبری اخیر خود اظهار داشت : فضای مثبت‌تری با حضور شهردار تهران در هیئت دولت فراهم می‌شود و در سایه این تعامل کارها بهتر پیش خواهد رفت، باید امیدوار بود. این کار را «خیر» ارزیابی می‌کنیم.

محمدعلی نجفی شهردار تهران نیز در این رابطه گفته است : حضور در جلسات هیئت دولت سبب هماهنگی‌های بیشتر و تسریع در کارها خواهد شد.اگر شهرداری در جریان سیاست‌های دولت باشد بسیار مؤثر است و این مسائل به نفع دولت، مردم و شهرداری خواهد بود.

زهرا صدراعظم نوری عضو شورای شهر تهران نیز در همین ارتباط در صفحه شخصی خود نوشته است : دعوت روحانی از نجفی برای حضور در هیأت دولت نشانه درک درست روحانی از شهر تهران، جایگاه شهردار و نقش تهران در کلان کشور است.

محمدجواد حق‌شناس، رئیس کمیسیون فرهنگی- اجتماعی شورای شهر نیز در این زمینه نوشته است : حضور نجفی در جلسات دولت نوید بخش آغازی نو در هماهنگی دولت و شهرداری در مدیریت کلانشهر تهران خواهد بود.

وی در یادداشتی دیگر در صفحه شخصی خود تاکید کرده است : روحانی با پذیرش حضور شهردارتهران در جلسات هیئت دولت گام اول را برای کاهش مشکلات پایتخت برداشت.

آنچه برای مدعیان اهمیت ندارد

در طول سالیان متمادی که درازای آن به ۱۸ سال می‌رسد شهرداران تهران اجازه حضور در جلسات هیئت دولت را نداشته‌اند ، احمدی‌نژاد در جلسات دولت اصلاحات حضور نداشت و قالیباف نیز در جلسات دولت‌های نهم ، دهم و یازدهم!

اما امروز از حضور شهردار جدید تهران در جلسات هیئت دولت برای حل مشکلات مردم سخن گفته می‌شود و اینکه روحانی گام اول را برای کاهش مشکلات پایتخت برداشته است.

سؤال افکار عمومی و رسانه‌ها این است که اگر دولت به فکر حل مشکلات مردم تهران است چرا در طول چهار سال گذشته که شهرداری غیرهمسو بر سر کار بود اجازه حضور به وی را در جلسات خود نمی‌داد؟!

آیا حل مشکلات مردم تهران تنها در صورتی ضروری است که شهردار از طیف و جریان همسو با دولت باشد؟! و صد البته که با توجه به رویکرد و مواضع دولتمردان در چهار سال گذشته روشن و مبرهن است که حل مشکلات مردم اهمیتی برای آنان ندارد و تنها رویکردها و بازی‌های سیاسی است که میزان و ملاک عمل آنان است که اگر حل مشکلات درجه‌ای از اهمیت را داشت در سال‌های گذشته نیز چنین رویکردی از سوی دولت اتخاذ می‌شد.

ظریف در گفت‌وگو با المیادین:

هیچ کس انتظار ندارد که آمریکا به تعهداتش عمل کند

وزیر خارجه کشورمان ضمن‌اشاره به بحران هسته‌ای شبه جزیره کره گفت: کره شمالی هرگونه گفت‌وگو با آمریکا در این خصوص را رد کرد، زیرا هیچ کس انتظار ندارد که آمریکا به تعهداتش پایبند باشد.

«محمد جواد ظریف» وزیر خارجه ایران در گفت‌وگوی خود با شبکه «المیادین» در پاسخ به این سؤال درباره اینکه برخی‌ها معتقدند که ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی پرچم طایفه‌گری را در منطقه برافراشته است، گفت: ایران در حمایت از فلسطین بهای سنگینی را پرداخت کرده است، آیا در فلسطین هیچ شیعی وجود دارد؟ از دولت افغانستان در جنگ با طالبان حمایت کردیم، آیا مردم افغانستانی شیعی هستند؟ ما از دولت ترکیه در مسئله کودتای اخیر این کشور حمایت کردیم، آیا ترکیه یک کشور شیعی است؟ از قطر در مقابله با محاصره و تحریم حمایت کردیم به دلیل اینکه اعتقاد داریم به اینکه عرصه به هیچ ملتی نباید تنگ شود، آیا قطر کشور شیعی است؟ به حمله صدام به کویت اعتراض کردیم و به کویتی‌ها کمک کردیم، آیا کویت کشور شیعی است؟ به کردهای کردستان عراق در مبارزه با داعش کمک کردیم، آیا کردستان عراقی منطقه شیعی است؟

وزیر خارجه ایران درباره حمله نیروهای ارتش میانمار به مسلمانان روهینگیا گفت: با وزیر خارجه ترکیه و اندونزی که در کنار وزیر خارجه مالزی در میانمار حضور داشتند، تماس تلفنی برقرار کردم. طبق رایزنی‌هایی که از چند ماه گذشته بین ما از طریق نشست کوالالامپور صورت گرفت، جامعه جهانی به صورت جدی پیگیر اوضاع اقلیت مسلمان روهینگیا است.

وزیر خارجه ایران در مورد همه پرسی منطقه کردستان عراق نیز گفت که این مسئله به شکل اساسی خطر بزرگی برای خود کردهاست. وضعیت کردها در عراق امروز بهتر از گذشته است و رئیس‌جمهور عراق کرد بوده و علاوه بر این بسیاری از نمایندگان پارلمان و وزرای عراق کرد هستند.

ظریف افزود: به نظر من بهترین منفعت برای همه گروه‌ها در این منطقه از طریق گفت‌وگوی سیاسی محفوظ است و من برای حفظ تمامیت ارضی هر کشوری و مرزهای آن در منطقه احترام قائل هستم، چراکه زیر پا گذاشتن این موارد نه‌تنها تهدید برای امن و ثبات منطقه است، بلکه از نظر ما تهدید اصلی به شمار می‌رود. بنده به نمایندگی از ملتی دوست سخن می‌گویم که به هنگام نیاز از حمله به حلبچه در دوره صدام یا به هنگام نزدیک شدن داعش به اربیل به برادران کرد خود کمک کرد.

ظریف در مورد روابط ایران با مرجعیت در نجف‌اشرف نیز گفت که قدرت منحصر به فردی بوده و امکان حفظ وحدت عراق را در بین همه گروه‌های این کشور فراهم کرد. مرجعیت عراق باعث شد که این کشور در برابر افراط گرایی بایستد و حاکمیت خود را حفظ کند. وی تصریح کرد: ما نقش مرجعیت در نجف‌اشرف را می‌ستاییم و روابط ما بر اساس احترام به حاکمیت ملی عراق و تمامیت ارضی آن نشأت می‌گیرد.

ظریف در مورد پاسخ به اینکه روابط آمریکا و ایران در زمان جان کری وزیر خارجه سابق آمریکا در دولت باراک اوباما به سمت اعتماد سازی می‌رفت و این روابط الآن به کجا رسیده است، گفت: این امور می‌توانست به این سمت حرکت کند، ولی متأسفانه این مسئله محقق نشد. ما به این اعتماد و اینکه یکی به دیگری اعتماد کند، نیازی نداریم، بویژه به دلیل روابط تاریخی ما، بلکه آنچه ما نیاز داریم یک توافق موفق در سایه نبود اعتماد بین ایران و آمریکا است. ایران در مورد رفتارهای آمریکا در قبال منطقه و ایران شکایت‌هایی دارد؛ از انقلاب اسلامی، حمایت آمریکا از صهیونیست‌ها و گروه‌های تروریستی و افراط‌گرا در منطقه تا حمایت از صدام در جنگ تحمیلی علیه ایران.

وی در پاسخ به این اینکه آیا توافق هسته‌ای بدون آمریکا ادامه خواهد یافت یا نه، اظهار داشت: این مسئله غیر ممکن نیست، ولی طبیعتا ما این مسئله را ترجیح نمی‌دهیم و می‌خواهیم این همکاری براساس توافقی که به آن دست یافته شده، ادامه دهیم ولی همه گزینه‌ها روی میز است و این گزینه‌ها محدود به هیچ گزینه‌ای نیست.

ظریف ادامه داد: احتمالات زیادی وجود دارد از جمله بازگشت به گذشته. این درصورتی است که آمریکا این توافق را با نقض آن و محروم کردن ایران از مزایای قانونی آن، برای ایران غیر قابل قبول کند. ولی ما طبیعتا گزینه‌های دیگری غیر از عقب‌نشینی از توافق داریم.

محمد جواد ظریف افزود: در حال حاضر با وجود اینکه آمریکا کاملا به توافق برجام و روح آن پایبند نبود، با توجه به ادامه فعالیت اقتصادی و همکاری با دیگر کشورهای جهان و شرکت‌های خارجی به پایبندی به این توافق ادامه می‌دهیم.

وزیر خارجه ایران همچنین به تنش آمریکا و کره شمالی درباره آزمایش هسته ای‌اشاره کرد و گفت: اگر ما به روش آمریکا طی ماه‌های اخیر دقت کرده باشیم، خواهیم یافت که این کشور هر گفت‌وگو با آمریکا در این خصوص را رد کرد، زیر هیچ کس انتظار ندارد که آمریکا به تعهداتش پایبند باشد.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

آمریکا هم کلاه گشاد برجام را تأیید کرد

بقیه از صفحه ۲

نشریه فارین‌پالیسی اندکی بعد گزارش داد ترامپ تیمی از معتمدانش را مأمور زمینه‌چینی برای گردآوری شواهدی جهت اعلام عدم پایبندی ایران به برجام در گزارش بعدی کرد. موعد ارائه گزارش بعدی، ماه اکتبر (ماه بعد) است.

«نیکی هیلی» در این باره گفت: «من به هیچ عنوان قصد پیش‌قضاوت درباره اینکه رئیس‌جمهور قصد انجام چه کاری دارد، ندارم. با آنکه با او در این باره صحبت کرده‌ام، نمی‌دانم چه تصمیمی خواهد گرفت. این تصمیمی است که او خواهد گرفت، و تنها هم این کار را انجام خواهد داد».

بر این اساس هرگاه آمریکا مدعی عدم پایبندی ایران به برجام شود، به راحتی می‌تواند مجددا تحریم‌هایی که نیم بند تعلیق شده‌اند را برگرداند و از اهرم گزارش برای فشار بر ایران بهره ببرد.

این در حالی است که براساس تبلیغات گسترده مقامات دولت و اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و رسانه‌های حامی دولت قرار بر این بود که برجام دو دستاورد عمده داشته باشد؛ اول «لغو تمامی تحریم‌ها» و دوم «گشایش اقتصادی برای عموم مردم» اما همان‌طور که منتقدان نیز به درستی‌اشاره کرده بودند، به دلیل رعایت نکردن قاعده «توازن تعهدات»، «همزمانی اجرای تعهدات»، «اخذ تضمین از طرف مقابل» و «پیش‌بینی برگشت‌پذیری امتیازات واگذار شده در صورت نقض عهد» که قاعده عقلی هر قرارداد عادی حقوقی است، برجام نمی‌تواند برآورده‌کننده این شعارها باشد.

دائمی کردن برجام با مکمل

هیلی سپس به آنچه به گفته وی «تاریخ انقضای» مفاد برجام است اشاره کرد و گفت: «بعد از ده سال، محدودیت‌های اورانیوم، سانتریفیوژهای پیشرفته و سایر محدودیت‌های هسته‌ای به پایان می‌رسند و ظرف کمتر از ده سال آنها فرصت خواهند داشت توانمندی‌های خودشان را به طرق مختلف، ارتقا دهند. بنابراین، برجام توافقی بسیار معیوب و محدود است.

وی گفت: صدها سایت اعلام نشده وجود دارد که در آنها فعالیت‌های مشکوک می‌شود و آژانس از آنها بازدید نکرده است.

در حال حاضر نتیجه ایده‌آل برای آمریکا نه لغو برجام بلکه یک توافق ثانوی با حمایت متحدان اروپایی‌ای است که برجام را امضا کرده‌اند. کارشناسان پیش از این تاکید کرده بودند که برجام از نظر آمریکایی‌ها با اجرای تعهدات ایران تمام شده و تعهدات آمریکا روی کاغذ باقی خواهد ماند و اگر دولت ایران انتظار وعده نسیه جدیدی! از سوی آمریکا دارد باید امتیاز نقد جدیدی! بدهد.

در روزهای اخیر نحوه رفتار آمریکا با برجام با کلیدواژه «مکمل برجام» مطرح شده است. بر این اساس آمریکا و کشورهای اروپایی در پی آن هستند که برجام را از یک توافق مدت‌دار به توافقی دائمی تبدیل کنند. در روزهای گذشته فرانسه اعلام کرد که می‌توان مکمل‌هایی برای برجام در نظر گرفت. رئیس‌جمهور فرانسه نیز تاکید کرد که برجام در سال‌های ۲۰۲۵ به بعد می‌تواند با یکسری اقدامات لازم در رابطه با موشک‌های بالستیک ایران همراه باشد و تکمیل شود.

فشاردادن کلاه برجام

به گزارش فارس، «هیلی» بار دیگر موضوع بازرسی از سایت‌های نظامی ایران را پیش کشید و گفت:اگر این هم کافی نیست، بزرگ‌ترین نگرانی این است که سران ایران علناً اعلام کرده‌اند اجازه بازرسی آژانس از سایت‌های نظامی خود را نخواهند داد.

وی مدعی شد: اگر بازرسان مجاز به بررسی تمامی اماکنی که باید بررسی کنند نباشند، چطور ما می‌توانیم بفهمیم که ایران به برجام پایبند بوده است؟

به زعم آمریکایی‌ها، مخالفت جمهوری اسلامی با بازدید از مراکز نظامی می‌تواند برای کشاندن دوباره ایران پای میز مذاکره و گرفتن امتیاز بیشتر یا به زبان ساده‌تر فشار دادن بیشتر کلاهی باشد که در برجام بر سر ایران گذاشته‌اند.

فروشنده بدهکار و مشتاق!

از آغازین روزهای روی کارآمدن دولت یازدهم، برخی اظهارنظرها، موضع مذاکراتی ایران در مقابل ۵+۱ و به خصوص آمریکا را تضعیف کرد. اظهاراتی همچون «خزانه خالی است»، «آمریکا ظرف ۵ دقیقه می‌تواند تمام توان نظامی ما را نابود کند»، «باید توافق انجام شود تا مشکل رکود واشتغال و تولید و آلودگی هوا و آب خوردن حل شود» و...؛ بر همین اساس رادیو فرانسه در گزارشی نوشت: «ارزیابی غرب از وضعیت کنونی دولت روحانی، تعامل با فروشنده بدهکار و مشتاقی است که خود را ناگزیر از فروش حقوق ملی می‌بیند. برپایه این جمع‌بندی اگر خریدار صبور باشد، شرایط فروشنده را دشوارتر می‌کند و در همان حال قیمت فروش را کمتر خواهد کرد».

آقای روحانی چندی پیش در مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: «آمریکا نشان داد نه شریک خوبی است و نه طرف مذاکره قابل اعتماد». این اظهارنظر را مقایسه کنید با تعابیر به غایت غلطی نظیر اینکه «به مذاکره با آمریکا خوش‌بین هستیم»، «توافق نشان داد می‌توان با مذاکره، به برجام‌های جدید دست یافت»، «مذاکره هسته‌ای می‌تواند الگویی برای ده‌ها مذاکره دیگر شود» و «امضای کری تضمین است» و...

رئیس‌جمهور محترم در سال ۹۲ تاکید کرد که «اروپایی‌ها آقا اجازه هستند. آمریکا کدخداست و بستن با کدخدا راحت‌تر است». اما در حال حاضر همان کدخدا شاکله تصورات و توقعات دولتمردان را به چالش کشیده است.

لزوم اصلاح رویکرد خطا و عقیم

حال سؤال مهم این است که روحانی و دولت جدید او، این رویکرد خطا و عقیم را چگونه اصلاح می‌کنند؛ رویکردی که کمترین اهتمام را نسبت به انبوه ظرفیت‌های معطل داخلی داشته است.

ریچارد نفیو - معمار شبکه تحریم‌های آمریکا- شهریور ۹۶- در یادداشتی در نشریه فارین پالیسی نوشت: «اظهارنظر صالحی درباره پایبندی ایران و اروپا به برجام علیرغم خروج آمریکا از برجام نادرست است. زیرا در اتحادیه اروپا هیچ زیر بنای قانونی برای اینکه دولت‌ها بتوانند این اقدام را عملی کنند وجود ندارد».

در مجموع «حفظ برجام به هر قیمت» نه تنها هیچ دستاوردی برای ایران نخواهد داشت بلکه بستری برای تعمیم خسارت محض به دیگر مولفه‌های قدرت ایران خواهد بود و موجب هرز رفتن ظرفیت‌های عظیم داخلی خواهد شد.

گستاخی فراهسته‌ای

هیلی در بخش دیگری از سخنان خود وارد مباحثی شد که نشان می‌دهد نظر منتقدان درباره مقاصد آمریکا از توافق هسته‌ای درست بوده است. هیلی در این سخنان به روشنی مشکل کشورش با جمهوری اسلامی را بنیادین و مربوط به ماهیت جمهوری اسلامی خواند.

وی گفت: ما به چه دلیل نیاز داشتیم مانع دستیابی حکومت ایران به سلاح‌های هسته‌ای شویم؟ پاسخ این سؤال، کاملاً به ماهیت حکومت ایران و عزم سپاه پاسداران ایران برای تهدید همسایگانش و پیشبرد انقلابش بستگی دارد.

هیلی گفت: «همه امید داشتند که این توافق حکام ایران را مردمان بهتری کند اما هیچ‌کس به سابقه رفتار تهاجمی ایران دقت نکرد. حتی متحدان ما هم این روزها می‌گویند که همه رفتارهای ایران در نتیجه توافق تغییر نکرده‌اما فعلاً از ما درخواستی برای خروج از توافق نداشته‌اند. مسئله مهم این است که آیا ما باید مراقب متحدانمان و در پی تضمین راحتی آنها باشیم یا اینکه در پی تأمین منافع آمریکا باشیم. این مسئله به امنیت ملی آمریکا ارتباط دارد نه امنیت اروپا.»

وی اضافه کرد: «باید بدانیم که نمی‌توان برای خوک رژلب کشید، پس هر کاری که بکنیم، نمی‌توانیم این توافق را بهتر از آنچه هست، نشان دهیم. باید به این واقعیت دقت کنیم که این توافق یک توافق معیوب است. آیا می‌توانیم به خود اجازه دهیم که به این توافق معیوب بی‌اعتنا باشیم یا اینکه می‌توانیم برای جلوگیری از رخ دادن یک اتفاق در ۱۰ سال آینده، حالا کاری کنیم. این مسئله برای کودکان و نوه‌های ما خیلی مهم خواهد بود.»

وی سپس به تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در سال ۱۳۵۸ توسط عده‌ای از دانشجویان‌اشاره کرد و گفت: «با گذشت ۳۸ سال از آن زمان، حکومت ایران هنوز در خارج از جامعه کشورهای پایبند به قانون به موجودیت خود ادامه داده است. هنری کیسینجر، در نقل قولی مشهور گفت که ایران نتوانسته تصمیم بگیرد که ملت است یا آرمان.»

نماینده آمریکا در سازمان ملل، در ادامه این ادعاها گفت: «حکومت ایران از سال ۱۹۷۹، همانند یک آرمان رفتار کرده است- آرمان گسترش اسلام شیعی و انقلابی با توسل به زور. دشمن ایران و محوری که ایران از آن برای فراخوان به تظاهرات استفاده می‌کند کماکان چیزی است که ایران نامش را شیطان بزرگ می‌نهد: ایالات متحده آمریکا.»

وی در ادامه به تکرار ادعاهای اثبات‌نشده خود درخصوص سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پرداخت و گفت که این نهاد انقلابی، به فاصله کوتاهی بعد از تشکیلش، حزب‌الله را با هدف گسترش نفوذ و انقلاب خود در خارج از کشور راه‌اندازی کرد.

هیلی مدعی شد: «دشوار بتوان درگیری یا رنج انسانی‌ای در خاورمیانه را یافت که ردپایی از حکومت ایران، سپاه یا نائبانش در آن دیده نشود!»

۲ روز بعد از فاجعه

کارتر در تماس با شاه از قتل‌عام ۱۷ شهریور حمایت کرد

سیدروح الله امین آبادی

جست‌وجوی کوتاهی در یادداشت‌ها، تبلیغات و جلساتی که این روزها از سوی به اصطلاح سلطنت‌طلب‌ها منتشر و برگزار می‌شود نشان دهنده آن است که این گروه‌ها و افراد، هر چند بسیار اندک، تلاش دارند تا نشان دهند مشی کارتر رئیس‌جمهور تازه انتخاب شده دمکرات آمریکا در دو سال منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی زمینه ساز سقوط رژیم شاه گردید، آنان می‌گویند کارتر باعث تقویت انقلابیون شد و در نتیجه شاه تضعیف و نتوانست با تظاهرات و به گفته آنان آشوب‌های فزاینده برخورد کند.

این توهم حتی بین انقلابیون نیز تا مدت‌ها رواج داشته است، چند سال پیش بی‌بی‌سی ارگان رسانه‌ای روباه پیر مصاحبه‌ای از آیت‌الله منتظری منتشر کرد که به وضوح این تصور در آن دیده می‌شد، در بخشی از این مصاحبه آمده بود «گفتم خدمت مرحوم آیت‌الله خمینی و به ایشان عرض کردم آقا، این‌اشغال سفارت طول کشیده... بجاست تا مادامی که کارتر سر کار هست این امتیاز را ایران به کارتر بدهد برای اینکه پیروزی انقلاب ما تقریبا به واسطه این بود که جو را کارتر مساعد کرد. این امتیاز را، به عقیده من، جایش هست که دولت ایران به کارتر بدهد و گروگانها را آزاد کند. ایشان فرمودند که این غیب‌هایی که تو می‌گویی که کارتر بهتر از (رونالد)ریگان هست، ما این غیب‌ها را بلد نیستیم.»[1]

پاسخ امام به آیت‌الله منتظری روشن بود، هیچ تفاوتی میان کارتر دمکرات و ریگان جمهوری خواه نیست و انقلاب بایستی در برابر هر دو مقاومت و پایداری پیشه سازد، از این مقدمه ضروری که بگذریم به فاجعه تلخ « ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ » می‌رسیم، اسناد به خوبی نشان دهنده این واقعیت است که رژیم شاه با اطمینان از حمایت‌های بیدریغ آمریکا دست به کمتر از یک ماه پیش از آن یعنی قتل عام «سینما رکس آبادان » بپردازیم، ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ بی‌شک یکی از مهم‌ترین روزها و در عین حال تلخ‌ترین روزهای این سال محسوب می‌شد، ساعت ۲۱:۴۵ شب بیست و هشتم مرداد طبق آمار دقیق ۶۳۰ نفر از افرادی که به تماشای فیلم گوزن‌ها در آخرین سانس به سینما رفته بودند در آتش سوختند. تعداد کشته‌شدگان بعداً به بیش از ۷۳۳ نفر افزایش یافت.

یک روز پس از مصاحبه شاه و اعلام وحشت بزرگ، عناصر ساواک، سینما رکس آبادان را به آتش کشیده و آن فاجعه را به وجود می‌آورند. پرویز راجی (آخرین سفیر شاه در لندن) در خاطرات روز شانزدهم آگوست ۱۹۷۸ (۲۵مرداد ۱۳۵۷) خود می‌نویسد: « در ملاقات با هوشنگ انصاری [وزیر دارائی] به او گفتم: اعلیحضرت فعلاً چاره‌ای ندارد جز این که خونسردی خود را حفظ کند ؛ اوضاع را به حال خود بگذارد و درخصوص خونریزی و خرابکاری مخالفان دست به تبلیغات بزند... وقتی کارد به استخوان همه رسید، می‌بایست یک واقعه قهرآمیز و مرگبار و ویرانگر را بهانه قرار دهد، به عکس‌العمل محکم و چشمگیری دست بزند، ارتش را به صحنه آورد و با هر مقدار خشونت که لازم باشد، به سرکوبی مخالفان بپردازد.»[2]

پرویز راجی سفیر وقت ایران در انگلیس در یادداشت روز بیستم آگوست ۱۹۷۸ (۲۹ مرداد ۱۳۵۷) نیز بااشاره به واقعه آتش‌سوزی سینما رکس آبادان می‌نویسد : « به میرفخرائی در وزارت دربار تلفن زدم که از قول من به هویدا پیشنهاد کند تا یک روحانی بلندپایه را همین امشب به تلویزیون بیاورند تا وی این وحشیگری جنون‌آمیز را محکوم کند و آن را خلاف قوانین الهی بخواند... هنگامی که به فرودگاه رفتم، از صحبت‌های فرهاد و حسین‌اشراقی این‌طور فهمیدم که حادثه آتش‌سوزی سینما دارد به سرعت زمینه را برای اقدامات شدید فراهم می‌سازد... به فکرم رسید که شاید چند واقعه دیگر از این نوع باید اتفاق بیفتد تا سرکوب نهائی انجام گیرد.»[3]

راجی در ۲۵ مرداد از تبلیغ درخصوص «خونریزی و خرابکاری مخالفان!» سخن می‌گوید. وی سپس اظهار می‌دارد که می‌بایست «یک واقعه قهرآمیز و مرگبار و ویرانگر» را بهانه قرار داد و به سرکوبی مخالفان پرداخت. وی به صراحت بیان می‌کند که «سرکوب نهائی» مستلزم یک سری زمینه‌سازی قبلی است و واقعه آتش‌سوزی سینما رکس آبادان یکی از بسترهای مناسب برای نیل به این مقصود بوده است.با سقوط آموزگار پس از فاجعه سینمارکس و روی کار آمدن شریف امامی با شعار «آشتی ملی» این توهم که دیگر دوران کشتار به سر آمده و با صلح و مودت اوضاع رو به راه خواهد شد در گروهی از سیاسیون به وجود آمد ولی رژیم به دنبال کشتارهای بعدی و زمینه سازی‌های دیگر بود.

۱۷ شهریور ۱۳۵۷ به پیشنهاد رئیس‌وقت ساواک حکومت نظامی اعلام شد، در این روز مردم در میدان ژاله که بعدها به میدان شهدا تغییر نام یافت اجتماع کرده بودند ولی این بار ماموریز رژیم تصمیم به متفرق کردن مردم نداشتند آنان از بالا دستور گرفته بودند که ضرب شستی به مخالفین نشان دهند و این گونه بود که تظاهرات مردم به شدت سرکوب شده و صدها نفر به شهادت رسیده و یا مجروح شدند.

بر اساس تصورات عده‌ای که گمان می‌کنند «دولت وقت آمریکا و کارتر با شعار دمکراسی و آزادی به قدرت رسیده بود و فشار آنها برای ایجاد فضای باز سیاسی زمینه ساز پیروزی انقلاب شد» طبیعی است که پس از فاجعه سینما رکس آبادان و کشتار ۱۷ شهریور از سوی کارتر به شاه شدیدا هشدار و حمایت‌ها از رژیم پهلوی قطع شود ولی «پس از واقعه ۱۷ شهریور، کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا در تماسی، به شاه اطمینان داد که از روش قهرآمیز و قاطع او در برخورد با مخالفان حمایت می‌کند.»[4]

مراجعه به اسناد لانه جاسوسی اطلاعات بیشتری را در دسترس علاقمندان قرار می‌دهد، در سندی به تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۸، ۱۹ شهریور ۱۳۵۷ با موضوع مکالمه تلفنی کارتر با شاه آمده است : رئیس‌جمهور... به شاه ایران تلفن کرد و در مورد وضع فعلی ایران با او بحث کرد، رئیس‌جمهور روابط نزدیک و دوستانه بین ایران و آمریکا و اهمیت اتحادیه ادامه دار ایران با غرب را دوباره تصریح کرد.[5]

پس از پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا عده‌ای از جمله دولت جدید ایالات متحده بر این موضوع تاکید داشتند که ایران بایستی قدردان اوباما رئیس‌جمهور سابق این کشور باشد، این خواسته ناظر بر تفاوت رویکرد دو رئیس‌جمهور آمریکا بود به این معنا که اوباما رویکرد مسالمت آمیزی در برابر ایران در پیش گرفته بود ولی ترامپ این گونه نخواهد بود، آن گونه که عده‌ای در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب گمان می‌کردند و می‌گفتند کارتر بهتر از ریگان است، رهبر معظم انقلاب ۱۹ بهمن سال گذشته در جمع فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش به این مسئله‌اشاره و تاکید کردند «رئیس‌جمهور جدید آمریکا می‌گوید باید از اوباما متشکر باشید! چرا؟ متشکر باشیم به‌خاطر داعش و آتش در عراق و سوریه و حمایت علنی از فتنه‌ی ۸۸؟ او بود که تحریم‌های فلج‌کننده برای ملت ایران آورد؛ البته به خواسته‌اش نرسید و هیچ دشمنی نمی‌تواند ملت ایران را فلج کند... از آن‌طرف به بنده نامه می‌نویسد و اظهار ارادت و محبّت و همکاری می‌کند، از این طرف علناً و صریحاً از فتنه‌گر حمایت می‌کند و می‌گوید ما پشت سر شما ایستاده‌ایم و دنبال فتنه ایجاد کردن در کشور است؛ چهره نفاق [همین است]؛ همان دستکش مخملینی که روی پنجه آهنی کشیده شده ب